



برادر دوقلو

## تحت تعقیب پلیس

یکی از دو برادر دوقلو که زن جوان را ربوده و در خانه سیاه حبس کرده بودند، تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش جوان، بهمن سال گذشته زن جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و از دو سرنشین خودروی برابری به اتهام آدم‌ربایی شکایت کرد. شاکی در توضیح ماجرا افزود: «هر روز صبح در ایستگاه مترو شهید باقری در شرق تهران از مترو پیاده شدم و داخل خیابان منتظر تاکسی بودم تا به محل کار بروم. دقایقی نماند تا تاکسی منظر تاکسی بودم، اما خبری از تاکسی نشد تا اینکه خودروی برابری منکی جلوی پایم توقف کرد. راننده پسر جوانی بود و در صندلی جلو هم پسر جوان دیگری به عنوان مسافر نشسته بود. وقتی مسیرم را گفتم راننده مرا سوار کرد و به راه افتاد. راننده پس از طی مسافت کوتاهی تغییر مسیر داد که به او اعتراض کردم، اما او مدعی شد به خاطر ترافیک مسیرش را تغییر داده‌است. او کنار خیابانی توقف کرد و پسر جوان از صندلی جلو پیاده شد و من فکر کردم به مقصد رسیده‌است، اما او در عقب‌را باز کرد و کنار من نشست و بعد هم مرا تهدید کرد، سکوت کنم. دو پسر جوان که خیلی شبیه هم بودند و به نظر می‌رسید برادر باشند، دست و پایم را بستند و دهانم را چسب زدند و بعد راننده را به راه افتاد و مرا به خانه‌ای در یکی از شهرک‌های اطراف تهران بردند و حبس کرده و آزار دادند.»

وی ادامه داد: «دو پسر ساعتی بعد با گر به و التماس از من خواستند از آنها شکایت نکنم. آنها مدعی بودند پشمیان شده‌اند و من هم از ترس قول دادم شکایت نکنم. متهمان در ادامه مرا خودرورشان در یکی از خیابان‌های تهران و بعد هم فرار کردند که از آنها شکایت دارم.»

**خانه اجاره‌ای**  
با شکایت زن جوان پرونده به دستور قاضی محمد امین تقویان، بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران در نخستین گام برای شناسایی متهمان به آدرسی که شاکی در اختیار آنها قرار داده بود، رفتند، اما بررسی هانشان داد دو متهم خانه مورد نظر را یک روزه اجاره کرده بودند. از سوی دیگری مشخص شد آنها با مدارک جعلی خانه را اجاره کرده‌اند تا هیچ ردی از خود به جای نگذارند. بدین ترتیب مأموران در شاخه دیگری از تحقیقات به بررسی فیلم دوربین‌های مداربسته پرداختند تا شماره پلاک خودروی متهمان را به‌دست آورند، اما دوربین‌های حساسی از شماره پلاک را ثبت کرده‌بودند.

در حالی که به نظر می‌رسید متهمان هیچ ردی از خود به‌جای نگذاشته‌اند، مأموران پلیس در بررسی‌های فنی موفق شدند شماره پلاک خودروی برابری را به‌دست آورند و صاحب آن را که پسر جوانی به نام کامبیز است، بازداشت کنند.

**دوقلوهای شیطان صفت**  
متهم پس از انتقال به اداره پلیس به جرم آدم‌ربایی اعتراف کرد، اما مدعی شد زن جوان را اذیت نکرده و برادر دو قلویش مرتکب جرم شده‌است.

وی در ادعای گفت: «آن روز من و برادر دو قلویم خانه‌ای اجاره کردیم و داخل خیابان هدایت‌پل طعمه‌ای می‌گشیم تا ماولش را سرقت کنیم. او رانندگی می‌کرد و من هم کنارش نشسته بودم تا اینکه زن جوان را کنار خیابان دیدیم. او منتظر تاکسی بود و برادر هم را و او به عنوان مسافر سوار کرد و نقشه آدم‌ربایی را طراحی و اجرا کردیم.»

در حالی که تلاش برای دستگیری متهم فسرای ادامه دارد، کامبیز برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

## سقوط مرگبار پسر ۱۳ ساله

### از طبقه سوم

پسر نوجوان پس از رفتن روی تخت‌خوابش کنار پنجره خانه‌شان به پایین سقوط کرد و جان باخت.

به گزارش جوان، ساعت ۹ صبح روز شنبه ۱۷ اردیبهشت مأموران کلانتری تهرانسری به قاضی محمد تقی شعبانی، بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند، پسر ۱۳ ساله‌ای پس از سقوط از طبقه‌سوم خانه‌شان روی بالکنی فوت کرده‌است. با اعلام این خبر تیم جنایی راهی محل شدند و دریافتند پسر ۱۳ ساله که پیش فعال بوده از پنجره اتاق خوابش در طبقه سوم به داخل بالکن خانه همسایه سقوط کرده و جان باخته‌است.

یکی از اعضای خانواده پسر فوت شده گفت: «پسرم دقایقی قبل از حادثه همراه خواهرش بازی می‌کرد که دخترم پیش من آمد و گفت برادرش او را اذیت می‌کند. در همین لحظه ناگهان صدای هولناکی به گوشم رسید و به سرعت به اتاق رفتم و دیدم پسرم به پایین سقوط کرده‌است.» وی ادامه داد: «تخت‌خواب پسرم کنار پنجره‌است و من احتمال می‌دهم او روی تخت‌خوابش رفته و به پایین نگاه می‌کرده که تادلش را از دست داده و سقوط کرده‌است.» همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد پسر نوجوان به پزشکی قانونی منتقل شد.

زن جوانی که با همدستی زن سوم پیرمرد، مرد سالخورده را به قتل رسانده بودند، در جلسه دادگاه اتهام را گردن هم‌آنداختند.

به گزارش جوان، ۲۳ اردیبهشت ۹۸ مردی جوان پلیس تهران را از حادثه‌ای خونین با خبر کرد. او گفت: «ساعتی قبل از یازدهم بیرون آمدم و در هوای آزاد سیگار می‌کشیدم که ناگهان پیرمرد همسایه را دیدم، خون‌آلود در کوچه کمک می‌خواست. همان موقع با دخترش که چند خانه به اورژانس زنگ زدم.»

بعد از این تماس، مأموران به محل حادثه رفتند و تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند. روند تحقیقات نشان می‌داد اصغر به بیمارستان منتقل شد و تحت درمان قرار داد. همسر او پروین که بعد از فوت دو همسر اصغر با او ازدواج کرده بود در محل حاضر نبود. آن زن مسرد تحقیق قرار گرفت ولی مدعی شد زمان حادثه در خانه نبوده‌است. تحقیقات ادامه داشت که چند روز بعد

خبر رسید اصغر ۸۲ ساله بر اثر شدت خونریزی فوت کرده‌است. جسد به پزشکی قانونی منتقل و پرونده با شکایت فرزندان مقتول به اتهام قتل عمد تشکیل شد. بنا به گواهی شاهدان حادثه که گفته بودند اصغر به آنها گفته پروین و پسرش به او ضرر زده‌اند، همسر سوم مقتول همراه پسرش به عنوان مظنون به قتل بازداشت شده، اما مدعی شدند پیرمرد خودزنی کرده و لخته حادثه در خانه نبوده‌اند. با طرح این ادعا اما بنا به گزارشات پزشکی قانونی و شواهد موجود معلوم شد پیرمرد به قتل رسیده و عامل قتل نیز فردی آشناست. به این ترتیب همسر پیرمرد بار دیگر از سوی کارآگاهان تحت بازجویی قرار گرفت که روند بررسی هانشان داد زن همسایه نیز در این حادثه دخال داشته‌است.

**اعتراف به قتل**  
بنابر این از آن زن به نام مروری هم تحقیق شد، اما او به مأموران گفت از این حادثه اطلاعی ندارد. بازجویی‌ها ادامه داشت تا این که مروری به قتل با همدستی همسر سوم مقتول اعتراف کرد و در اظهاراتش گفت: «حدود هفت‌هفت پیش به عنوان

# ماجرای قتل پیرمرد با همدستی زن سومش



### در جلسه دادگاه

با ثبت این اظهارات، مروری به اتهام مشارکت در قتل و پرونده با صدور کیفرخواست و تعیین شعبه روی میز هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولیای دم که فرزندان مقتول بودند درخواست قصاص کردند. سپس زن همسایه در جایگاه ایستاد و خلاف اظهاراتش قتل را انکار کرد و گفت: «قاتل نیستم و تحت فشارهای بازجویی به قتل اعتراف کردم.» او در ادامه گفت: «چند سال قبل از شوهرم جدا شدم، اما مدتی قبل به عقد موقت مردی در آمدم. شرایط روحی خوبی نداشتم و داروهای اعصاب و روان زیادی مصرف می‌کردم. در آن شرایط بود که مجبور شدم به قتل اعتراف کنم. قبول دارم اخلاق پیرمرد خوب نبود و با او مشکل داشتم، اما هیچ وقت تصمیم به قتل او نگرفتم. این پروین بود که شوهرش را به خاطر اختلافات مالی به قتل رساند. چند روز به همسایه‌ها که پیرمرد را خونین در کوچه دیده بودند، همان موقع گواهی دادند پیرمرد خودش اقرار کرده همسرش با همدستی پسرش به گردن او ضربه زده‌اند.»

**شرح حادثه**  
متهم در خصوص قتل گفت: «سه روز قبل از حادثه پروین را دیدم. او به خاطر اینکه شوهرش همه اموالش را به دامادش و کالست داده بود، ناراحت بود به همین دلیل گفت زنده بودن شوهرش بی فایده‌است و بی‌تسهاد داد وقت آن رسید تا شوهرش را به قتل برسانم. به خاطر کینه‌ای که از پیرمرد داشتم، قبول کردم. روز حادثه پروین سراغم آمد و گفت شوهرش خواب است. یک تیزی ز داشتم و به خانه آنها رفتم. دیدم پیرمرد تکان می‌خورد برای همین پشمیمان شدم، اما پروین گفت نگران نباش خوابش سنگین است، فقط باید این کار را با دستکش انجام دهم. به همین خاطر یک دستکش کاموایی پوشیدم سپس سراغ پیرمرد رفتم و بسا آن تیزی ضربتی به گردنش زدم.

پیرمرد بیدار شد و از خانه بیرون دوید. همان موقع ساختمان را ترک کردم و به خانه پسر پروین رفتم. خبر ندارم بعد از آن چه اتفاقاتی افتاد. بعد از اینکه لباس‌هایم را عوض کردم به خانه‌ام برگشتم.»

**حرف‌های همسر سوم**  
در ادامه همسر مقتول نیز در جایگاه ایستاد. او معاونت در قتل شوهرش را قبول کرد، اما در دفاع از خودش با اظهارات ضد تقیضی گفت: «روز حادثه برای اینکه زنده‌الها را بیرون برم در راباز گذاشته بودم. وقتی برگشتم دیدم مروری لباس دستاش خونین است. ترسیدم و فرار کردم. من با شوهرم اختلافی نداشتم و او مرد خوبی بود.» متهم در ادامه به سوالات هیئت قضایی پاسخ داد.

**می‌دانی اتهام معاونت در قتل چیست؟**  
بله، یعنی همکاری در قتل  
**پس قبول داری در راباز گذاشته بودی تازن همسایه برای کشتن شوهرت وارد خانه شوی؟**  
خیر، من در راباز کردم تا زنده‌الها را بیرون ببرم.

زن همسایه وقتی در راباز دید خودش وارد خانه شده‌بود.

**پس زباله پنهانی بود که از خانه خارج شد و پروین به اتهام معاونت در قتل راهی زندان شد و پروین با صدور کیفرخواست و تعیین شعبه روی میز هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت.**

ابتدای جلسه اولیای دم که فرزندان مقتول بودند درخواست قصاص کردند. سپس زن همسایه در جایگاه ایستاد و خلاف اظهاراتش قتل را انکار کرد و گفت: «قاتل نیستم و تحت فشارهای بازجویی به قتل اعتراف کردم.» او در ادامه گفت: «چند سال قبل از شوهرم جدا شدم، اما مدتی قبل به عقد موقت مردی در آمدم. شرایط روحی خوبی نداشتم و داروهای اعصاب و روان زیادی مصرف می‌کردم. در آن شرایط بود که مجبور شدم به قتل اعتراف کنم. قبول دارم اخلاق پیرمرد خوب نبود و با او مشکل داشتم، اما هیچ وقت تصمیم به قتل او نگرفتم. این پروین بود که شوهرش را به خاطر اختلافات مالی به قتل رساند. چند روز به همسایه‌ها که پیرمرد را خونین در کوچه دیده بودند، همان موقع گواهی دادند پیرمرد خودش اقرار کرده همسرش با همدستی پسرش به گردن او ضربه زده‌اند.»

**حرف‌های همسر سوم**  
در ادامه همسر مقتول نیز در جایگاه ایستاد. او معاونت در قتل شوهرش را قبول کرد، اما در دفاع از خودش با اظهارات ضد تقیضی گفت: «روز حادثه برای اینکه زنده‌الها را بیرون برم در راباز گذاشته بودم. وقتی برگشتم دیدم مروری لباس دستاش خونین است. ترسیدم و فرار کردم. من با شوهرم اختلافی نداشتم و او مرد خوبی بود.» متهم در ادامه به سوالات هیئت قضایی پاسخ داد.

**می‌دانی اتهام معاونت در قتل چیست؟**  
بله، یعنی همکاری در قتل  
**پس قبول داری در راباز گذاشته بودی تازن همسایه برای کشتن شوهرت وارد خانه شوی؟**  
خیر، من در راباز کردم تا زنده‌الها را بیرون ببرم.

**حرف‌های همسر سوم**  
در ادامه همسر مقتول نیز در جایگاه ایستاد. او معاونت در قتل شوهرش را قبول کرد، اما در دفاع از خودش با اظهارات ضد تقیضی گفت: «روز حادثه برای اینکه زنده‌الها را بیرون برم در راباز گذاشته بودم. وقتی برگشتم دیدم مروری لباس دستاش خونین است. ترسیدم و فرار کردم. من با شوهرم اختلافی نداشتم و او مرد خوبی بود.» متهم در ادامه به سوالات هیئت قضایی پاسخ داد.

**می‌دانی اتهام معاونت در قتل چیست؟**  
بله، یعنی همکاری در قتل  
**پس قبول داری در راباز گذاشته بودی تازن همسایه برای کشتن شوهرت وارد خانه شوی؟**  
خیر، من در راباز کردم تا زنده‌الها را بیرون ببرم.

## کشف جسد یک زن در سطل زباله

تیم جنایی در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران کنار سطل زباله‌ای با نیم تنه انسانی داخل دو گونی روبه‌رو شدند که معاینات تیم پزشکی نشان داد نیم تنه بدون سر متعلق به زنی حدودا ۳۵ ساله‌است و حدود ۲۴ ساعت هم از مرگ او گذشته‌است.

رفتگر شهرداری که جسد را کشف کرده‌بود به مأموران پلیس گفت: «دقایقی قبل در حال جارو زدن و چلبه‌جایی اشتغال‌ها بودم که چشمم به گونی خون‌آلود کنار سطل زباله افتاد. کنجاو شدم و در گونی را باز کردم، اما دیدم جسمی

خونین داخل گونی دیگری قرار دارد و وقتی در گونی دوم را باز کردم با نیم تنه انسان روبه‌رو شدم و بلافاصله موضوع را به مأموران پلیس خبر دادم.

در حالی که سه ساعت از کشف نیم تنه زن جوان گذشته بود و تحقیقات همچنان درباره این حادثه ادامه داشت، ساعت ۵ صبح دوباره به بازپرس جنایی خبر رسید، رفتگر دیگری کنار سطل زباله‌ای در نزدیکی بزرگراه شهید محلاتی دو پای مثله نشان داد که دو متهم به این کلاهبرداری کرده‌است. بررسی‌های تیم جنایی در محل

## پلیس مرد، مظنون زن

انتشار فیلم برخورد پلیس با زنی جوان در منطقه سد لتیان واکنش‌های بسیاری را به دنبال داشته‌است. با وجود این که پلیس در واکنش به حادثه اعلام کرده شیوه بازداشت زن جوان را تأیید نمی‌کند، اما مشخص نیست در حوادث مشابه با دختر از آن می‌خواهد چه رفتاری را در پیش بگیرد.

دو روز قبل فیلمی که شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد یک مأمور لباس شخصی در حال انتقال زنی جوان به خودروی پلیس است. فیلم مورد نظر که با مقاومت زن جوان همراه بود واکنش‌های بسیاری را به دنبال داشت. بررسی‌ها در این باره نشان داد روز حادثه مأموران کلانتری سد لتیان در محل نظر ایستگاه ایستاد و بازرسی دایر کرده و در حال کنترل خودروهای عبوری بودند. آن روز طرح مهار برای بازداشت چند سارق در حال اجرا بود و مأموران با برپایی ایستگاه ایست و بازرسی درصدد بودند تا مجرمان تحت تعقیب را بازداشت کنند که یک خودروی تیبیا با سرعت به محل استقرار پلیس نزدیک شد. هر چند مأموران از راننده و سرنشین که دو زن بودند، خواستند خودرو را متوقف کنند، اما راننده بدون توجه به درخواست پلیس با فشار روی پدال گاز از محل دور شد. طبیعی است در چنین اتفاقی مأموران پلیس با تعقیب کردن خودرو به راننده هشدار داده و از راننده درخواست کردند خودرو را متوقف کند، اما او بدون توجه به هشدار پلیس به فرار ادامه داد. مأموران پلیس، اما در جریان تعقیب و گریز موفق به متوقف کردن خودرو و کشف مقادری مخدر گراس از داخل آن شدند. وقتی مأموران از راننده خواستند مدارک ارائه کند و علت فرار را سؤال کردند، وی تمرد کرد که مأموران قصد انتقال او به کلانتری را داشتند که با مقاومت راننده مواجه شدند و فیلم آن به شبکه‌های اجتماعی راه پیدا کرد.

در این بخش این پرسش اساسی درباره واکنش پلیس مطرح می‌شود که اگر پلیس در جریان حبس به یک زن مظنون شود و زن مقابل پلیس مقاومت کند، مأموران باید چه رفتاری را در پیش بگیرند؟ آیا آنها باید

در همه مأموریت‌های شبانه‌روزی خود یک یا چند پلیس زن به همراه داشته‌باشند تا در چنین مأموریت‌هایی از آنها استفاده کنند؟ آیا باید مظنون یا متهم را به حال خود رها کنند و از مراکز پلیس درخواست اعزام پلیس زن کنند؟ اگر در مواقعی اضطراب مثل نیمه شب دسترسی به پلیس زن میسر نبود، باید تا صبح روز بعد در همان وضعیت بمانند؟ اگر مظنون یا متهم مورد نظر از دست پلیس فرار کند یا به سمت مأموران اسلحه کشیده و آنها را مجروح کند یا به کشتن دهد نباید به دست بزنند و زخم گلوله را به جان بخرند؟

این پرسش‌ها و بیشتر از آن گزینه‌های ناگزیری هستند که در جریان مأموریت‌های پلیس هر لحظه امکان بروز داشته و دارد، بنابراین پلیس یا باید مقتدرانه از عملکرد مأموران دفاع کند یا با اهاکاری عملی برای انتقام‌های مشابه به نظر بگیرد. توجه نکردن به این رویکرد یا تنبیه مأموران می‌تواند یک پیام ناگوار برای پلیس به همراه داشته باشد و آن هم بی‌تفاوتی مأموران پلیس به تعقیب و بازداشت مظنون یا مجرمان زن است که در هر صورت اقتدار پلیس زیر سؤال می‌برد. در واکنش به این حادثه سرهنگ مراد مرادی، معاون اجتماعی انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد که به دنبال انتشار فیلم حادثه سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی تهران بزرگ دستور رسیدگی فوری به ماجرا را صادر کرد. سرهنگ مرادی اعلام کرد که شیوه دستگیری بر خلاف آموزه‌های پلیس است و مورد تأیید نیست و در این خصوص برابر مقررات و ضوابط موضوع مراحل قانونی خود را طی می‌کند.

## بازداشت عاملان

### توزیع مشروبات مرگبار الکلی

۱۲ نفر از عاملان اصلی تهیه و توزیع مشروبات مرگبار الکلی در بندرعباس بازداشت شدند.

نهم اردیبهشت‌ماه بود که خبر رسید نرفت به دلیل مصرف مشروبات دستساز در بندرعباس جان خود را از دست داده‌اند. او ۱۷ نفر هم با وخامت حالشان در آی‌سی‌یو بستری و ۳۰ نفر هم دیالیز می‌شوند. به دنبال انتشار خبر تحقیقات برای شناسایی و بازداشت عاملان تهیه و توزیع مشروبات به جریان افتاد تا این که روز گذشته مجتبی قهرمانی، رئیس کل دادگستری استان هرمزگان اعلام کرد چند مرد بزرگ تهیه، نگهداری و فروش مشروبات الکلی دستساز شناسایی و در بازرسی از این اماکن بیش از ۱۰ هزار لیتر مشروبات الکلی کشف و ضبط شده‌است. یک شرکت با بری هم که محموله‌های الککل صنعتی را به صورت غیرمجاز از یکی از استان‌های همجوار به بندرعباس منتقل کرده، پلمب شده‌است.

## کلاهبرداری میلیاردی

### زن و مرد فالگیر

زن و مسرد فالگیر که بسا دایر کردن صفحه‌ای در اینستاگرام موفق به کلاهبرداری ۵ میلیاردی شده بودند بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سردار سید محمود میرفیضی فرمانده انتظامی استان قم گفت: چندی قبل شکایت‌های مشابهی درباره کلاهبرداری زن و مردی فالگیر به مأموران پلیس فتا قم گزارش شد. بررسی‌های پلیس نشان داد که دو متهم با دایر کردن صفحه‌ای در اینستاگرام در حال کلاهبرداری از دنبال‌کنندگان هستند در حالی که هر روز بر تعداد شکایت‌های مطرح شده اضافه می‌شد. مأموران موفق شدند دو متهم را شناسایی و بازداشت کنند. بررسی‌های اولیه نشان داد که دو متهم به این کلاهبرداری پنج میلیارد تومانی شده‌اند که تحقیقات بیشتر از آنها جریان دارد.

### مفقودی

برگ سبز و کارت شناسایی خودرو پژو هاچ‌بک تیپ ۲۰۶ TU۳ مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید شماره پلاک (ایران ۳۰-۱۷۸م ۳۱) به شماره موتور ۱۸۲A۰۱۵۴۶۵۱ شماره شاسی ۱۸۲A۰۱۵۴۶۵۱NAAP۰۳EEYJM۴۶۸۷۴۲ متعلق به شیرین خبری مفقود شده و از در جه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

### مفقودی

سند کمپانی وبرگ سبزواری براید تیپ جی‌ال ایکس آی مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور ۲۳۳۵۸۹۹ به شماره شاسی ۵۲۰۶۵۲۱۲۲۸۷۷۲۰۶S۱۴ به شماره پلاک ۸۸۱س ۸۹ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از در جه اعتبار ساقط می‌باشد. گلستان

### مفقودی

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و سند کار خانه خودروی سواری استیشن کاروان جی‌ال ایکس ۷۰۱ به رنگ سورمه‌ای متالیک مدل ۱۳۸۰ به شماره موتور ۰۰۱۵۲۰۳۸ و به شماره شاسی ۰۰۱۰۱۷ به شماره انتظامی ایران ۸۶۴/۲۵ ج ۵۲ مفقود شده و از در جه اعتبار ساقط است. تبریز

### مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی، سند نقل و انتقال و کارت شناسایی خودرو سمنند تیپ LXE۷۷ مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۳۸-۳۳۸-۵۴) به شماره موتور ۰۰۱۹۵۰۱۴۷H شماره شاسی ۱۵۶۱۷۱۵۶NAACR۱HSXC۴۶ متعلق به محمد حسنی چناری مفقود شده و از در جه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

### مفقودی

برگ سبز موتور سیکلت سیستم ساوین تیپ CDI۱۲۵ مدل ۱۳۹ رنگ قرمز شماره پلاک (ایران ۳۲۴-۹۶۳۳۳) به شماره موتور ۰۰۸۹۶NDR۰۰۱۲۴ شماره تنه ۵۷۴۰۶۵۷۲B۱۲۵ متعلق به مهدی جعفری مفقود شده و از در جه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

### مفقودی

کارت ماشین خودرو سواری پژو پارس به رنگ بژ - متالیک مدل ۱۳۸۳ به شماره موتور ۰۷۳۳۸۶۲ و شماره پلاک ۱۴۸J۷۱۱ ایران ۱۰ به نام ستاره صادقی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. اقل